تاثیر یک تعویض بر بازی هسته‌ای

رفتن رابرت مالی منجر به تغییر سیاست‌های آمریکا در قبال ایران خواهد شد؟

گروه دیپلماسی: دیپلماتی که زمانی به واسطه شناخت بسیار زیادش از ایران به لقای «آیت‌الله» مشهور بود، حالا در میانه مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا بر سر نوعی توافق موقت و غیررسمی، تقریباً از کار برکنار شده است. مقامات ایالات متحده اعلام کرده‌اند که ایران ممکن است تنها چند هفته تا دستیابی به اورانیوم تسلیحاتی مورد نیاز برای ساخت بمب هسته‌ای فاصله داشته باشد. اکنون، رابرت مالی، که وظیفه احیای توافق هسته‌ای برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران را برعهده داشت، کنار گذاشته شده است.

رابرت مالی، دیپلمات برجسته‌ای که مذاکرات هسته‌ای با ایران را در دولت باید دن هدایت می‌کرد، ماه گذشته پس از تعلیق مجوز دسترسی امنیتی او در اوایل سال جاری و در جریان تحقیقات در مورد بی‌دقتی او در ارتباط با اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، به مرخصی بدون حقوق رفته است. شبکه سی‌ان‌ان پیشتر گزارش داده بود که مالی مدتی در این شغل باقی ماند، زیرا تحقیقات در حال انجام بود، اما او اجازه دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را نداشت.

در زمانی که مرخصی او در ماه ژوئن اعلام شد، مالی به شبکه سی‌ان‌ان گفت که به او گفته شده است مجوز امنیتی او در «دست بازبینی است» و انتظار دارد این تحقیقات «به نحو مطلوب و به‌زودی» به پایان برسد. اما روز جمعه، آبرام پیلی، معاون رابرت مالی، مدیریت رسمی توئیتر، دفتر نمایندگی ویژه برای ایران را برعهده گرفت. پیلی در توئیتی نوشت: «تمام تیم در وزارت خارجه همچنان درگیر اجرای سیاست ما در قبال ایران هستند.» وب‌سایت وزارت امور خارجه نیز نام مالی را به‌عنوان نماینده ویژه در امور ایران حذف کرده است. جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی ایالات متحده نیز روز یکشنبه در مصاحبه‌ای گفته که او «نمی‌تواند در مورد شرایط فعلی صحبت کند» و بگوید که آیا مالی به سمت خود بازگردانده می‌شود یا خیر. براساس ارزیابی اطلاعاتی ایالات متحده که هفته گذشته منتشر شد، ایران از زمان ترور یکی از دانشمندان کلیدی هسته‌ای خود در ماه نوامبر سال ۲۰۲۰ به سرعت برنامه هسته‌ای خود را گسترش داده است، اما فعالیت‌هایی را انجام نمی‌دهد که برای تولید یک دستگاه هسته‌ای قابل آزمایش لازم باشد.

حاشیه‌ها درباره مالی پرسش‌هایی را در مورد سرنوشت توافق هسته‌ای طولانی‌مدت با ایران ایجاد کرده است، توافقی که در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری ضروری به نظر می‌رسد. چرا که غنی‌سازی اورانیوم در ایران همچنان ادامه دارد و آمریکا و ایران خود را برای یک انتخابات کلیدی آماده می‌کنند.

ایران در سال آینده میلادی انتخابات پارلمانی برگزار می‌کند و انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نیز در پاییز سال آینده برگزار می‌شود. به گفته تحلیلگران، پیشرفت در مذاکرات هسته‌ای و همچنین سرنوشت آمریکایی‌های بازداشت‌شده در ایران، احتمالاً باعث تقویت چهره‌های سیاسی، هم در ایران و هم در آمریکا خواهد شد. رابرت مالی یکی از معماران توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران در دولت اوباما بود. در سال ۲۰۱۸، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا از این توافق خارج شد. پس از انتخاب بایدن، رابرت مالی در سال ۲۰۲۱ به‌عنوان فرستاده ویژه رئیس‌جمهوری در امور ایران به کار بازگردانده شد و به یک چهره پیشرو در مذاکرات برای بازگشت به توافق هسته‌ای تبدیل شد.

سال گذشته، در جریان مذاکرات با ایران، چندین اختلاف ظاهر شد و مذاکرات در شهریورماه سال گذشته به بن‌بست رسید. وقتی که اعتراضات در ایران بالا گرفت و دولت با این اعتراضات برخورد کرد و وقتی که اخبار مربوط به همکاری ادعایی پهپادی میان ایران و روسیه در خصوص جنگ اوکراین منتشر شد، شرایط به مراتب وخیم‌تر شد.

مالی حتی قبل از انتصابش به‌عنوان نماینده ویژه ایران یک چهره قطبی در دیپلماسی آمریکا به شمار می‌آمد. در سال ۲۰۰۸، پس از اینکه مشخص شد که مالی با اعضای گروه مبارز فلسطینی حماس در حین کار در اندیشکده گروه بین‌المللی بحران (ICG) که رئیس و مدیرعامل بود، ملاقات کرده، جنجال در آمریکا آنقدر زیاد شد که مجبور شد از کمپین ریاست‌جمهوری باراک اوباما استعفا دهد.

> **مالی حتی قبل از انتصابش به‌عنوان نماینده ویژه ایران یک چهره قطبی در دیپلماسی آمریکا به شمار می‌آمد. در سال ۲۰۰۸، پس از اینکه مشخص شد که مالی با اعضای گروه مبارز فلسطینی حماس در حین کار در اندیشکده گروه بین‌المللی بحران (ICG) که رئیس و مدیرعاملش بود، ملاقات کرده، جنجال در آمریکا آنقدر زیاد شد که مجبور شد از کمپین ریاست‌جمهوری باراک اوباما استعفا دهد**

منتقدان مالی، از جمله ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در خارج از کشور، محافظه‌کاران ایالات متحده و حامیان اسرائیل، مالی را به همدلی بیش از حد با جمهوری اسلامی ایران و سختگیری بیش از اندازه در خصوص اسرائیل که دشمن شماره یک ایران است، متهم می‌کنند. ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، دو هفته پیش در پاسخ به سوالی درباره حاشیه‌های مربوط به رابرت مالی، گفت: «ما درباره مسائل داخلی سایر کشورها از جمله آمریکا اظهارنظر نمی‌کنیم.»

اما دیپلمات‌های سابق ایرانی نظیر جاوید قربان‌اوغلی، که یک دیپلمات بازنشسته است، در این خصوص واضح‌تر صحبت کرده‌اند. قربان‌اوغلی اخیراً گفته است که مالی «تمایلاتی به ایران دارد» و به گفته او «لابی‌های نزدیک به اسرائیل» علیه او دست به اقدام زده‌اند. گابریل نورونها، یکی از مقامات سابق وزارت امور خارجه در دولت ترامپ که اکنون یکی از همکاران مؤسسه یهودی امنیت ملی آمریکا است، می‌گوید که رویکردهای رابرت مالی سرش را به باد داده است. نورونها، که مشاور ویژه سابق گروه اقدام ایران در وزارت خارجه آمریکا بود به سی‌ان‌ان، می‌گوید: «رویکرد مالی این بود که اول از همه، در قالب تعلیق تحریم‌ها و با هدف حسن‌نیت، امتیازاتی را به ایران می‌دادند. و او این نگاه که فشار بیشتر بر ایران، اهرم‌های دیپلماسی را قوی‌تر می‌کند، مخالف بود. در همان زمان، ایران در حال بازسازی قابلیت‌ها و برنامه هسته‌ای خود بود. تهران به این باور رسید که اهرم فشار بر آمریکا را افزایش داده است. در نتیجه، رابرت مالی نتوانست احترام یا ترس ایرانی‌ها را جلب کند و چشم‌انداز موفقیت در مذاکره را نابود کرد.»

اما کسانی که از نزدیک با مالی کار کرده‌اند، موافق این نظریه نیستند که این پیرمرد ۶۰ ساله نسبت به ایران بسیار نرم برخورد می‌کرد. علی واعظ، مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران به سی‌ان‌ان می‌گوید که اقدامات رابرت مالی در راستای استراتژی امنیت ملی دولت ایالات متحده است.

واعظ که بیش از یک دهه است مالی را از نزدیک می‌شناسد و در گروه بین‌المللی بحران از نزدیک با او هم‌کار بوده و به او مستقیماً گزارش می‌داده، است که این دیدگاه که گروه مبارز فلسطینی حماس در حین کار مالی، معتقد است که تنها راه‌حل پایدار برای حل بحران هسته‌ای با ایران، راه‌حل دیپلماتیک است. کسانی که این دولت را به «نرم‌بودن بیش از حد» در قبال ایران متهم می‌کنند، برای توضیح اینکه چرا آمریکا اکنون تحریم‌های بیشتر و نه کمتری، علیه ایران نسبت به زمان روی کار آمدن پزیزدنت بایدن دارد، مشکل خواهند داشت.»

فواد ایزدی، دانشیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران می‌گوید که ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران خواهان توافق بود و احتمالاً امیدوار بود که با رابرت مالی به‌عنوان فرستاده ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا به توافق برسد. او می‌گوید: «این واقعیت که رابرت مالی نظرات دیگری داشت، نشانه‌ای بود که شاید وضعیتی مشابه (مانند دورهای قبلی مذاکرات که منجر به توافق شد) پس از رئیس‌جمهوری بایدن تکرار شود. اما اکنون بیش از دو سال از ریاست‌جمهوری بایدن گذشته است و همه می‌دانیم که گمان، چیزی بیش از یک آرزو و خیال نبوده است.»

حالا اوضاع چطور است

مذاکرات آمریکا با ایران بدون حضور رابرت مالی ادامه دارد. درحالی‌که آبرام پیلی به‌طور موقت به‌عنوان فرستاده ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا در امور ایران فعالیت می‌کند، برت مک گورک، یکی از مقامات شورای امنیت ملی ایالات متحده که در امور سیاست خاورمیانه، کهنه‌کار است، به‌عنوان مسئول اصلی اعمال محدودیت بر برنامه هسته‌ای ایران انتخاب شده است. زمانی که بایدن در سال ۲۰۲۱ به قدرت رسید، مک گورک را به‌عنوان هماهنگ‌کننده خاورمیانه و شمال آفریقا در شورای امنیت ملی منصوب کرد. دولت آمریکا مذاکرات خبری را برای ورود مجدد به توافق هسته‌ای ایران در اواخر همان سال آغاز کرد. سی‌ان‌ان گزارش داده است که مذاکرات غیررسمیتقیم بی‌سودمیا میان ایران و آمریکا از دوحه زمستان سال گذشته از سر گرفته شده است و مک گورک در مرکز این مذاکرات بوده است. از آن زمان، مک گورک برای گفت‌وگوهای غیررسمیتقیم با مقامات ایرانی چندین سفر به عمان داشته است. آخرین مورد در ماه مه اسال بود و به نظر می‌رسد رابرت مالی از این مذاکرات کنار گذاشته شده است. مک گورک گفته که مشتاق است دوباره معامله‌ای شکل بگیرد، اما مشخص نیست که چگونه تاکتیک‌های او ممکن است با دیدگاه‌های رابرت مالی متفاوت باشد. مک‌گورک، از کمپین «فشار حداکثری» ترامپ در سال ۲۰۱۹ علیه ایران انتقاد کرده است. مک‌گورک گفته است که این توجیه که تحریم‌های جهوری اسلامی را بیشتر منزوی و اقتصادش را فلج کرد اما نتوانست جلوی پیشرفت برنامه هسته‌ای این کشور را بگیرد. او معتقد است که تحریم‌های اضافه‌شده، ایران را «تحریک‌آمیزتر» کرده است. مک گورک همچنین از دیگر سیاست‌های ترامپ در خاورمیانه از جمله سیاست‌های مرتبط با سوریه انتقاد کرد.

علی واعظ پیش‌بینی می‌کند که به‌رغم خروج مالی، سیاست‌های آمریکا در قبال ایران تغییری نخواهد نداشت. واعظ می‌گوید: «سیاست ایالات متحده براساس محاسبات امنیت ملی دولت و نه یک فرد در دستگاه امنیت ملی تنظیم می‌شود.»

نورونها اما می‌گوید که خروج رابرت مالی از تیم بایدن احتمالاً به این معنی است که «معامله بزرگ» با ایران حاصل نخواهد شد، «اما تلاش‌های دولت آمریکا برای دستیابی به توافقی محدود همچنان ادامه خواهد داشت».

نگاه خارجی

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفا جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

euronews.

شانس توافق چقدر است؟

شروع جنگ در اوکراین چقدر بر توافق هسته‌ای ضعیف اروپا با ایران تأثیر گذاشته است؟ و چه نوع توافقی در آینده می‌تواند برای اروپا و ایران در کار باشد؟ هشت سال پس از توافق هسته‌ای تاریخی ۲۰۱۵، روابط اتحادیه اروپا با ایران همچنان پرتنش است. در مقاطع مختلف در طول تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین، اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کرد. از جمله به دلیل تامین صدها هواپیمای بدون سرنشین به روسیه، اروپا همچنین تحریم‌هایی مربوط به نقض حقوق بشر را علیه ایران وضع کرد. با این حال، اروپا در تلاش برای ایجاد پل‌هایی - از طریق مذاکرات غیررسمی اخیر با ایران - است تا به‌نوعی توافق هسته‌ای با ایران دست یابد. اروپا باید تصمیم بگیرد که آیا برای اولین‌بار از زمان امضای توافق سال ۲۰۱۵، با حفظ تحریم‌های موشکی بالستیک علیه ایران - که قرار بود در ماه اکتبر منقضی شود - مفاد برجام را نقض کند یا خیر. اگر اروپا اجازه دهد اعتبار این تحریم‌ها منقضی شود، ایران عملاً آماده عرضه پهپادهای مرگبارتر - یا سایر تسلیحات - به روسیه خواهد بود. تحریم‌های مربوط به تولید موشک‌های بالستیک ایران، براساس یکی از «بندهای غروب» قرارداد سال ۲۰۱۵، قرار است در اکتبر ۲۰۲۳ منقضی شود. این تاریخ‌های انقضا برنامه‌ریزی شده‌اند تا به ایران اجازه دهند فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم را در ازای رعایت مفاد توافق از سر بگیرند. هم ایران و هم آمریکا از آن زمان مفاد توافق را نقض کرده‌اند. با وجود شکست توافق رسمی در سال ۲۰۱۸، اروپا مذاکرات رسمی با ایران را از آوریل ۲۰۲۱ در وین آغاز کرد. بارت گروتویس، نایب‌رئیس هیئت اتحادیه اروپا در امور روابط با ایران، به یورونیوز گفت: اروپا نشان داد که واقعاً می‌خواهد به یک معامله میانجی‌گری کند. ما تعهدات خود را جدی می‌گیریم. اما در مورد نیات ایران مطمئن نیستیم.» مذاکرات با ایران، در دوره‌های چندماهه‌ای درست زمانی که تنش‌ها با تهاجم گسترده روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ تشدید شد، به بن‌بست رسید. روسیه به‌عنوان یکی از پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد یکی از امضاکنندگان اصلی توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ بود. برخی کارشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که قضاوت‌ها ناگاهانه ایران بر تصمیم تهران در جانبداری از روسیه تأثیر گذاشته است. برخی تحلیلگران نیز معتقدند که اگر جنگ در اوکراین اتفاق نمی‌افتاد، شانس بیشتری برای احیای توافق هسته‌ای وجود داشت. اشتیاه محاسباتی ایران این بود که فکر می‌کرد اروپایی‌ها به منابع انرژی ایران نیاز دارند و ایران اهرم‌های بیشتری در مذاکرات خواهد داشت. جلسات غیررسمی و پشت درهای بسته از زمان به بن‌بست رسیدن مذاکرات ادامه داشته است. اخیراً در ژوئن ۲۰۲۳، انریکه مورا، هماهنگ اتحادیه اروپا با نمایندگان ایران در قطر دیدار کرد. آنها تلاش کرده‌اند تا گام‌هایی را ترسیم کنند که می‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را مهار کند و همچنین پیش‌نویس سیاست‌های مربوط به آزادی زندانیان آمریکایی و اروپایی را که در ایران نگهداری می‌شوند، تهیه کرده‌اند. دورنمای آزادسازی برخی از دارایی‌های ایران در خارج از کشور نیز مورد بحث قرار گرفته است. به موازات این تلاش‌ها، مقامات ایالات متحده و ایران نیز مذاکرات غیررسمیتقیم در عمان داشته‌اند. با این حال، اگرچه گفت‌وگوها ادامه دارد، اما اختلافات همچنان ادامه دارد. ایالات متحده و متحدان عربی اش در نشست شورای امنیت سازمان ملل در اوایل ژوئیه با روسیه و ایران در مورد پیشرفت‌های تهران در غنی‌سازی اورانیوم و تامین پهپادهای جنگی این کشور به مسکو وارد رویارویی شدند. اگرچه کارشناسان اتفاق‌نظر دارند که احتمال یک توافق در آینده محتمل است اما توافق احتمالاً به منزله یک نسخه ضعیف از توافق اولیه برجام در سال ۲۰۱۵ است. تمرکز حول محور جلوگیری از تشدید بیشتر تنش‌ها از طریق حصول اطمینان از عدم غنی‌سازی بالاتر از ۶۰ درصد در ایران، یکی از موضوعات این توافق جدید است. این بند لزوماً به معنای برچیدن سانتریفیوژها یا عقب انداختن هیچ‌یک از فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیست، اما کم و بیش همه چیز را در سطح فعلی نگه می‌دارد. با این حال، نقش اروپا در مذاکرات همچنان محدودتر از ایالات متحده است.

نگاه دیپلمات

عراقچی: از فرصت دولت بایدن استفاده کنیم

برای احیای برجام اجماع کلی در کشور وجود دارد

عباس عراقچی، مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران در دولت روحانی، درباره احیای برجام گفت: «اطلاعات من هم در حد اطلاعات دوستان و آن‌چه در رسانه‌هاست، می‌باشد، اما معتقدم باید اجازه دهیم آقایان امیرعبداللهیان و باقری و همکارانشان که مشغول این ماموریت هستند در آرامش و بدون حواشی ماموریت مهمی که دارند را انجام دهند تا این کار به سرانجام برسد.» عراقچی که پس از خروج از تیم مذاکرات هسته‌ای، مدتی است با سمت «دبیر شورای راهبردی روابط خارجی» شناخته می‌شود، دیروز در نشست نقد کتاب «سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ» که در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد، افزود: «یکی از بندهای قطعنامه ۲۲۳۱ در اکتبر سال ۲۰۲۳ به پایان می‌رسد و مهم است این دوران را با درایت پشت سر بگذاریم. قطعنامه ۲۲۳۱ در زمان خودش به‌طور خودکار لغو می‌شود و ما از دستور کار شورای امنیت در ذیل هفت مشور خارج می‌شویم و این تحول بسیار مهمی است که نباید از دست برود.» وی ادامه داد: «می‌دانیم در نظام و وزارت امور خارجه با جدیت دارند این مسئله را دنبال می‌کنند. برجام، دشمن زیاد دارد و دشمن اصلی آن رژیم صهیونیستی است. روزی که ترامپ از برجام خارج شد نتانیاهو جشن گرفت و از همه ابزارها استفاده می‌کنند که برجام برنگردد از این رو خیلی باید مراقبت کرد. در طول دوران ترامپ و خروجش از برجام با چنگ و دندان آن را حفظ کردیم. دو بار ترامپ کار را در شورای امنیت به رای‌گیری کشاند اما موفق نشد و یک انزوای بین‌المللی را نصیب خودش کرد. در دولت جدید آمریکا فرصت پیش آمده و امیدواریم از این فرصت استفاده شود.» دبیر شورای راهبردی روابط خارجی گفت: «اجماع کلی در کشور است برای احیای برجام و این موضوع را راهبردی می‌دانند و هنوز در دستور کار است و اصرار دارم بگویم که اجازه دهیم تیم مذاکراتی ایران کارش را انجام دهد و نکته منفی برای آنها ایجاد نکنیم.» عراقچی تصریح کرد: «سیاست همسایگی دولت درست است. از قبل هم بوده است، در اینکه ایران به لحاظ راهبردی باید در محیط پیرامونی خودش از ایجاد تنش جلوگیری کند و روابط مسالمت‌آمیز مثبت با همسایگانش داشته باشد، کسی تردید ندارد. خوشحالم روابط ایران و عربستان که یکی از دو قدرت بزرگ منطقه است را شاهدیم. ما از این قضیه عبور کردیم. تنش میان دو کشور به نفع دو کشور و صلح منطقه نیست. سیاست منطقه‌ای و همسایگی به خوبی پیش می‌رود اما دشمنان و آفاتی دارد که باید مراقبت کرد.» وی تاکید کرد: «باید مراقب روایت‌سازی‌ها و جنگ‌های روانی بود. پروژه معرفی ایران به‌عنوان تهدیدی امنیتی بودن را اسرائیل همیشه دنبال کرده و ما با آن مقابله کردیم و این پروژه را شکست دادیم.» عراقچی گفت: «روایت‌گری را باید همچنان حفظ کرد و اجازه نداد دوباره علیه ایران روایتی تهدیدآمیز ساخته شود و امیدوارم سیاست منطقه‌ای دولت در مسیر درستی که شروع کرده ادامه یابد.»

نگاه کارشناس

اتحادهای منقضی

آسیب‌شناسی ادراک سیاست خارجی از معنای ائتلاف‌های موضوعی در مقابل اتحادهای سنتی

ساسان کریمی
مدرس دانشگاه تهران

هم آنچه در سفر سال گذشته رئیس‌جمهوری چین و موارد پیرامون آن رخ داد و هم عمل اخیر روسیه در همراهی رسمی با بیانیه شورای همکاری خلیج‌فارس در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی، موجب تکدر خاطر و بهت بسیاری از مسئولین مرتبط با سیاست خارجی کشور شد که البته تلاش برای عدم بروز آن نشان از اهمیت و غافلگیرشدن‌شان داشت. رئیس‌جمهور چین در دسامبر سال گذشته طی سفری به ریاض اولاً عربستان را یکی از قدرت‌های غیرقابل چشم‌پوشی در محیط بین‌المللی نوین قلمداد کرد و ثانیاً با همراهی با بیانیه شورای همکاری خلیج‌فارس، به‌خصوص در مواضع تهاجمی آن نسبت به ایران، تهران را در شوک فرو برد. گویی که «فراری مجدد روابط ایران و عربستان سعودی با میانجی‌گری کرِ یکن متعاقب آن انجام شد ولی نمی‌توان کتمان کرد که این همراهی چین با عربستان و دیگر کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس دست ایران را قهراً در این مذاکرات ضعیف‌تر کرده است. در امری مشابه اخیراً شاهد همراهی روسیه با مواضع شورای همکاری خلیج‌فارس بودیم، به‌خصوص که هر دو حاوی طرح موضوع حساسیت‌برانگیز جزایر سه‌گانه ایرانی بودند و این بار حتی روسیه حمایت خود را از پیگیری‌های بعدی کشورهای عربی در این خصوص نیز از موضع خود حذف نکرد. البته مسئله ما در این یادداشت خبرهای پرتکرار و پرحاشیه پیرامون این اخبار نیست بلکه در باب علت این رخدادها و به‌خصوص علت این تعجب‌ها و انتقادهاست.

به نظر نگارنده اینطور می‌رسد که آنچه بیش از همه موجب تعجب گرایش‌های مختلف در سیاست خارجی شده است از سنخ مشکلی ادراکی است؛ تلقی از مفاهیم در سیاست خارجی به سان دیگر ساحت‌ها پیش‌رنه برساخت بسیاری از واقعیت‌های انضمامی بعدی است. اینکه ما از کلامی واحد چه دریافت می‌کنیم بالقوه موجب بسیاری از مسائل بعدی است.

ادراک در حوزه سیاست خارجی نیز مانند دیگر جنبه‌های زندگی با ذهنی خالی و بدون پیش‌زمینه اتفاق نمی‌افتد بلکه همواره یک تحلیلگر، دولتمرد، تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیرد در مواجهه با هر موضوع دارای نظریه و به تعبیر بهتر پیش‌زمینه‌های ذهنی است که بر ادراک موضوع تاثیرگذارند. این تمایلات البته خاستگاه‌های مختلف دارند:

انتخاب داده‌های ورودی به ذهن یک تصمیم‌ساز و سیاست‌مدار می‌تواند به انگیزه نخودآگاه عمد بقش باورها باشد. کسی که می‌خواهد باورش را به منزله واقعیت به خود بقوراند، می‌تواند اجازه ورود هر داده‌ای را از محیط خارج به ذهن و دستگاه ادراک خود بدهد.

۲- دوم آنکه داده‌ای می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد که با گزاره‌های گذشته و تثبیت‌شده در گذشته و در محیط علمی و اجتماعی مطابقت بیشتری داشته باشد. بنابراین جمع‌هایی که ذهن تصمیم‌گیر در آنها زیست می‌کند، واجد اهمیت هستند. چراکه طرح و پذیرش جمعی اطلاعات یا به حاشیه رانده شدن آن تابعی است از اینکه این جمع چقدر آمادگی پذیرش این داده را دارد و نیز تا چه میزان این داده و اطلاعات جدید منطبق با گزاره‌های ازپیش تثبیت‌شده در آن جمع‌هاست.

سومین عاملی که می‌تواند فهم و پذیرش یک اطلاع را تحت تاثیر قرار دهد، تفسیر موارد مبهم است که اتفاقاً در سیاست و به‌خصوص سیاست خارجی کم هم نیست. موارد مبهم همواره به سود نظریه ازپیش طرح شده تفسیر می‌شوند.

۴- اما مهم‌ترین چیزی که می‌تواند فهم‌یک سیاست‌مدار یا جمعی سیاست‌ساز را تحت تاثیر خود قرار دهد جنبه‌های کارکردی مترتب بر این فهم است:

کارکرد نخست در ارزیابی فهم یک داده جدید متناسب با محاسبه هزینه و فایده است. واقعیت این است که آگاهانه یا ناخودآگاه، ذهن سیاست‌ساز متناسب با منافع مختلف در برابر داده‌هایی ظرف نیست. بنابراین تلاش می‌کند داده‌هایی را وجدهند تلقی کند که با محاسبه‌اش تطابق بیشتری داشته باشد.

کارکرد دریافت تایید به‌عنوان نیاز هر موجودیت روانی است که به طریق اولی سیاست‌ساز و سیاست‌مدار نیز مبتلا به آن هستند. شخص آن داده‌ای را مهم تلقی کرده و پرینگ می‌کند که موجب تایید او باشد و نه بالعکس آن.

کارکرد دیگر در نظام ادراکی، توجیه تصمیماتی است که پیش از هر گونه مطالعه اتخاذ شده‌اند. این معنا البته گاهی ناخودآگاه حادث می‌شود و گاه در اثر بناکردن نهادهایی که به‌جای مطالعه کارویژه‌شان یافتن مبانی مناسبی برای توجیه تصمیمات باشد و علی‌القاعده این تایید و تقویت متقابل است. در مقابل، بازوهای مشورتی و مطالعاتی که ساز ناکوک و مخالف بزنند قهراً محکوم به انزوا خواهند بود و این البته امری است طبیعی، فراگیر و آسیب‌زا که جلوگیری از آن نیازمند تصمیم و فکر است.

نهایتاً هم باید به تاثیر آگاهانه و ناآگاهانه منافع بر ادراک اشاره کرد. در هر حال منافع فردی، جریانی و غیره بر ادراک ما از محیط پیرامون‌مان مؤثر است. این امر به طریق اولی در مورد سیاست‌سازان و تصمیم‌سازان نیز حاکم است و در نتیجه ممکن است به هر شکلی تصفیه و برخورد انتخابی با داده‌های بیرونی را رقم بزند.

اما مرور مصداق پیش آمده که در صدر مقاله ذکر شد، باید گفت که درک خیانت نارفیعی از سوی روسیه و چین بر موضوع همراهی ایشان با اعراب از این روح می‌دهد که ما، با هر گرایش سیاسی، نوعاً درک مقرون به‌واقع و بروز آمدی از مناسبات میان کشورها در محیط بین‌المللی نداریم. هم شرق‌گرایانی که فکر می‌کنند بلوک جدیدی در شرق با محوریت چین و روسیه و حتی ایران در حال برآمدن در مقابل غرب است و هم مقابل ایشان، کسانی که غرب را موجودیتی یکپارچه و دارای وحدت ماهوی و قطب فائق در محیط بین‌المللی می‌دانند و گروه نخست را تقبیح و تحقیر می‌کنند، هر دو چار اشکال مشابهی در ادراک با محیط بین‌المللی هستند.

اینکه کسی فکر کند که ما نمی‌دانیم چین یا روسیه یا هر کشور دیگری هستیم و بنابراین از حمایت بی‌شائبه آنها برخوردایم، هماهقدر وهم‌آلود است که در مقابل کسی بیندیشد که با اتحاد با غرب و به‌خصوص ایالات متحده می‌توان خود را در چتر امنیت و رفاه قرار داد. این هر دو تا ماه اختلافات از حهل خود مشترکند (به تعبیر منطقیون: لا میز فی الاعدام). این جهل آرایه زیست ذهنی در فضایی است که سال‌هاست دوران به اتمام رسیده و آن هم تفکر جنگ سردی و نظم دوقطبی و اساساً نظم قطبی در محیط بین‌المللی است. هم تحیر اولی به هنگام کنش‌های مرکز چین و روسیه بنابراین از همین وهم است و هم تبختر دومی: هم شرق‌گرایی و غرب‌ستیزی خطرناک دست‌دوم.

محیط بین‌الملل امروزه اساساً بستر اتحادهای دائمی و همه‌جانبه (که تصور ما از رابطه راهبردی را تشکیل می‌دهد) نیست، بلکه دیگر این اتئلاف‌های موضوعی هستند که واجد معنایند و بنابراین در هر به‌زمانی و در هر موضوعی، شماری از بازیگران مبتنی بر منافع مشترک‌شان با هم مؤتلف می‌شوند و به کنشگری توأمان می‌پردازند و بنابراین شرکای هر کنشگر در موضوعات مختلف متفاوتند و این به هیچ رو چیزی نیست که موجب شگفتی باشد. در این محیط شبکه‌ای هیچ کس دوست یا دشمن بلاشرط و دائمی و ازپیش مقدر بازیگر دیگری نیست بلکه بنابر موضوع ممکن است همراهی یا ضدیت کند. در موضوع خاص چین و روسیه و همراهی ایشان با موضع کشورهای عربی نیز باید توجه کرد که آنچه موجب تعجب شده است نه عملکرد ایشان بلکه تصور ما از انتظار با این دو کشور و الزامات آن است. قهراً آنچه به توان ما و منافع و قدرت کشورهای عربی در حوزه‌های انرژی، سرمایه‌گذاری و خریدهای تسلیحاتی بازیگران عمده نخواهند توانست از این اتحاد بگذرند. اعراب هم به واسطه رابطه قدیمی و نزدیک‌شان با ایالات متحده خود را مدیون یا گرفتار این روابط و محروم از ارتقای روابط دیگرشان که ممکن است مطلوب آمریکا نباشد، نمی‌دانند. بلکه اتفاقاً هم از روابط شبکه‌ای و متفاوت خود برای ارتقای توان بهره می‌برند و هم بدون توجه به توان و اهداف‌شان خود این روابط نیز بهره می‌برند. این اما به واسطه عمد روابط با ایالات متحده و نیز روابط آسیب‌خورده و حداقلی با کشورهای اروپایی بدل به شریکی ارزان برای چین و روسیه شده است که آنها به واسطه عمدتوان مذکور الزامی برای راضی کردن یا رعایت کردن ایران در کنش‌های خود نمی‌بینند. در عین حال گرایشی در سیاست‌ورزی ایران نیز به واسطه همین عدم توازن به سیافی که رفت تلاش می‌کند هدف و منافع خود را با وضع موجودش تعریف کرده و از دریافت داده‌های مبطل طفره رود. عمق این مشکل وقتی به ذهن می‌آید که یادآور شویم توسعه، نیازمند درک صحیح از معانی روزآمد در سیاست خارجی است.

دیپلمات‌ها

گفت‌وگوی برجامی قطر و آمریکا

وزارت امور خارجه قطر اعلام کرد که با مشاور امنیت ملی آمریکا درباره مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله توافق هسته‌ای گفت‌وگو کرده‌اند. وب‌گاه وزارت امور خارجه قطر در بیانیه‌ای از گفت‌وگوی تلفنی شیخ محمد بن عبدالرحمان آل‌ثانی، وزیر امور خارجه این کشور با جیک‌سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا خبر داد. در این بیانیه با اشاره به محورهای گفت‌وگوی آل‌ثانی و سالیوان آمده است: در این تماس تلفنی به همکاری دوجانبه و شراکت راهبردی میان دو کشور و برخی مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای در حیطه منافع دو کشور، به‌ویژه توافق هسته‌ای، بحران روسیه-اوکراین و چگونگی حل‌وفصل صلح‌آمیز آن، همچنین تحولات لبنان و افغانستان و ضرورت حمایت مداوم بشردوستانه از مردم افغانستان پرداخته شد. قطر از جمله کشورهای حامی احیای توافق هسته‌ای در منطقه است و تاکنون نقش مؤثری در تسهیل‌گری گفت‌وگوهای غیرمستقیم میان ایران و آمریکا از جمله در زمینه تبادل زندانیان و احیای توافق هسته‌ای داشته است.

قدردانی امیرعبداللهیان از عمان

وزیر امور خارجه ایران در ملاقات با همتای عمانی خود، از روند رو به گسترش روابط دو کشور برادر و همسایه ابراز خرسندی کرد و ارتقای همکاری‌های مشترک در زمینه‌های مختلف را نشانه عمق روابط دو کشور دانست. وزیر امور خارجه موضوعات همکاری میان دو کشور را مختلف و متنوع دانست و افزود: پیشرفت‌های زیادی در روابط دو کشور داشتیم و در عین حال این دیدار فرصتی برای مرور توافقات قبلی و ارزیابی میزان پیشرفت امور و اجرای توافقات قبلی رؤسای دو کشور است. امیرعبداللهیان مسئولیت دستگاه‌های دیپلماسی ایران و عمان در پیگیری و اجرای توافقات قبلی میان دو کشور را مهم دانست و افزود: لازم است مشورت‌های میان مدیران ارشد و کارشناسان دو طرف به منظور تنظیم سند جامع همکاری‌های بلندمدت دو کشور با جدیت ادامه یابد. امیرعبداللهیان عمان را دوست بسیار نزدیک ایران در منطقه توصیف کرد و از تلاش‌های سازنده این کشور در مسیر کمک به لغو تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران و نیز کمک برای بهبود اوضاع و ارتقای روابط با برخی کشورهای منطقه تشکر و قدردانی کرد.

جنگنده‌های بیشتر در خلیج‌فارس

آمریکا از اعزام شمار بیشتری جنگنده به تنگه هرمز خبر داد. پنتاگون طی بیانیه‌ای اعلام کرد که آمریکا جنگنده‌ها و کشتی‌های جنگی بیشتری را به تنگه هرمز و دریای عمان اعزام می‌کند. بنا به ادعای پنتاگون، هدف از این اقدام «تامین امنیت کشتی‌های تجاری در منطقه» است. بنا به این بیانیه، آمریکا قرار است چندین فروند هواپیمای جنگنده اف-۳۵ و ناوشکن «توماس هوندر» را به منطقه اعزام کند. مقامات دفاعی آمریکا پیشتر نیز از استقرار تعدادی هواپیمای اف-۱۶ در منطقه خبر دادند.